

در حالات و مقامات «امیرالاسرا»ی ایران آنچه سید در فردای آزادی به هم بندگان خویش توصیه کرد

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی، براساس خاطرات عموم اسرای که در دو‌گانه‌های مختلف عراق، محضر وی را درک کرده‌اند، با دورویکرد ویژه موجب حفظ جان اسیران ایرانی می‌شد. اول: با اخلاق حسنه و صبوری زیاد، حتی بی‌رحم‌ترین افسران بعثی را نیز وادار به احترام به اسرا می‌کرد و دوم: با دعوت اسرا به آرامش و منع ایشان از ایجاد تنش و درگیری با بعثی‌ها در داخل اردوگاه‌ها، از ایراد آسیب بیشتر به آنها جلوگیری می‌کرد. در واقع شادروان ابوترابی، با شناختی که از فرهنگ و عمق روحیه مذهبی مردم عراق داشت، با اخلاقی خوش و کریمانه‌ای که از آن برخوردار بود، می‌توانست سرپایان و افسران بعثی را تحت‌تأثیر قرار دهد و از سوی دیگر، به‌دلیل روحیه معنوی و قدرت مدیریت، تأثیر شگفت‌انگیزی بر اسرا داشته‌باشد و از بروز رفتارهای انقلابی یا واکنشی آنها که ممکن بود منجر به شهادت عده زیادی از اسرا بشود، جلوگیری کند.

واقعیت این است که بعثی‌هانیز، اگرچه در ابتدای اسارت شادروان ابوترابی را به وحشیانه‌ترین روش‌ها شکنجه کردند، اما متوجه تأثیر گذاری ایشان بر سایر اسرا شده بودند. به همین دلیل تاویل نتایج در سالیان بعد، مدام ایشان را از اردوگاهی به اردوگاه دیگر منتقل می‌کردند تا به واسطه حضور وی، از بروز تنش‌های شدید در اردوگاه‌هایی که نام اسرای آنها توسط صلیب‌سرخ به ثبت رسیده بود، جلوگیری کنند. زیرا وجود تنش و درگیری و کشته‌شدن اسرا در این اردوگاه‌ها، اصلا به نفع رژیم صدام نبود. البته در کنار این دو رویکرد مهم، انگیزه بخشیدن به اسرای ایرانی، برای ارتقای سطح علمی و دینی و برگزاری کلاس‌های عقیدتی و علمی در اردوگاه‌ها، از دیگر اقدامات ایشان در خدمت به اسیران بوده‌است. چنانچه در کتاب‌های خاطرات بسیاری از آزادگان، به نقش آفرینی ایشان در موارد پیش گفته، به شکل مبسوط پرداخته شده‌است.

اما گذشته از دوران مبارزه با رژیم پهلوی و دوران «امیرالاسرای» شادروان ابوترابی، لازم‌است که به دوره حیات ایشان پس از آزادی و نیز مقطعی که مسئولیت‌های شاخص سیاسی داشته‌اند، نیز پرداخته شود. زیرا از ویژگی‌های اخلاقی آن بزرگ، تقوای شگرف و روحیه ساده‌زیستی‌شان در سال‌های بعد از بازگشت از اسارت و خدمتگزاری در مسئولیت‌های گوناگون است. ایشان در دوره‌ای که نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت، اینچنان ساده‌زیست و خادم مردم بود که به راستی می‌توان وی را به‌عنوان نماینده‌تر از انقلاب اسلامی معرفی کرد. مسلمانان روحیه خدمتگزاری و ساده‌زیستی، بر گرفته از ایمان عمیق ایشان به مکتب اسلام و متعلق شدن‌شان به اخلاق قرآنی بوده‌است. چنان‌که وی در سخنرانی معروف خود، در مقطع بازگشت آزادگان به کشور و خطاب به آنها می‌گفت:



زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی، در واپسین سال‌های حیات

بعثی‌ها اگرچه در ابتدای اسارت، شادروان ابوترابی را به وحشیانه‌ترین روش‌ها شکنجه کردند، اما به مرور متوجه تأثیر گذاری ایشان بر سایر اسرا شده بودند. به همین دلیل نیز در سالیان بعد، مدام ایشان را از اردوگاهی به اردوگاه دیگر منتقل می‌کردند تا به واسطه حضور وی، از بروز تنش‌های شدید در اردوگاه‌هایی که نام اسرای آنها توسط صلیب‌سرخ به ثبت رسیده بود، جلوگیری کنند.

زیرا وجود تنش و درگیری و کشته شدن اسرا در این اردوگاه‌ها، اصلا به نفع رژیم صدام نبود

«الحمدلله دوران اسارت گذشت و این دوران، در راه انجام وظیفه مقدس سربازی، با سربلندی و عزت سپسری گشت. این فخر و مباهات و این عزت و شرف در راه اسلام و وطن، بر شما مبارک باد...مسلمانا همه ما در این فکریم که آیا ما اهدیه‌های هست که به آنان که ماهی عزت و رهایی ما شدند و دل به ما بستند، تقدیم کنیم؟ گرچه بهترین هدیه برای آنان، در آغوش کشیدن شمامست، ولی بدون شک اخلاق حسنه و رفتار نیکوی شما، برای آنان گرانقدرترین هدیه‌است که امان، آرزو و امیدشان را از ما برآورده ساخته و بداینچه ما متوقع دار‌ند، در سایه اخلاق صحیح ما خواهند رسید. بر ماست که اگر دیروز، در اجابت دعوتشان در رفتن به جبهه سلاح بر گرفتیم، امروز در بازگشت به جمع بر فروغوشان، به سلاح اخلاقی که شیوه و سنت محمدی است، آراستگی کامل پیدا کرده و خویشتن را بدین زینت بیاراییم که خیر و صلاح و رستگاری دنیا و آخرت انسان‌ها و این امت و این تیره در تجهیز بدین سلاح است و دیگر هیچ! در واقع مکمل حرکت دیروز و به ثمر رساننده خون پاک شهیدان و احیاکننده مکتب اسلام، تجهیز کامل ماست به سلاح اخلاقی و حرکت فردای ما بر این مبناست. امید است شما عزیزان که در اسارت و در تلخ‌ترین شرایط زندگی، پایبندی خود را به اصول اخلاقی حفظ کردید، فردای آزادی در خاک پاک ایران عزیز، زیر سایه اسلام و در خدمت هموطنان شرافتمند خویش، از معتقدترین فرزندان این امت و از وفاداران ترین یاران امام به اصول اخلاقی باشید و در محیطی سرشار از صلح و صفا، سازه‌زبان ایرانی پرشکوه باشید و اگر دیروز در رزم روزی افتخار آفریدید، فردا در بازسازی (ایران) و خدمت با اخلاق حسنه، سرآمد جهایان باشید و ملت ما را مایه فخر و مباهات و مسلمین را مایه عزت...»

گزارش

اوتوشه میرمعشری روزنامهنگار

۱۲خردادماه، سالروز رحلت زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی است؛ مردی که به سبب خصال اخلاقی، به‌ویژه صبوری عجیب، توان مدبریتی چشمگیر و تلاش مؤثر برای حفظ جان اسرای ایرانی در اردوگاه‌های حکومت صدام، با عنوان «سید آزادگان» شناخته می‌شود.مردی که پیش از اسارت، سابقه‌ای طولانی در مبارزه با رژیم گذشته داشت و طعم دستگیری و زندان ساواک را در آن دوره نیز چشیده بود. به‌اداعن همگان، او می‌توانست با تدبیر و سلوک اخلاقی خویش، حتی شکنجه‌گرانش را نیز رام کند. در مقابل ای آمده، به سیر مبارزات و فعالیت‌های سیاسی وی، از ابتدای جوانی تا مقطع اسارت نظر کرده‌ایم.

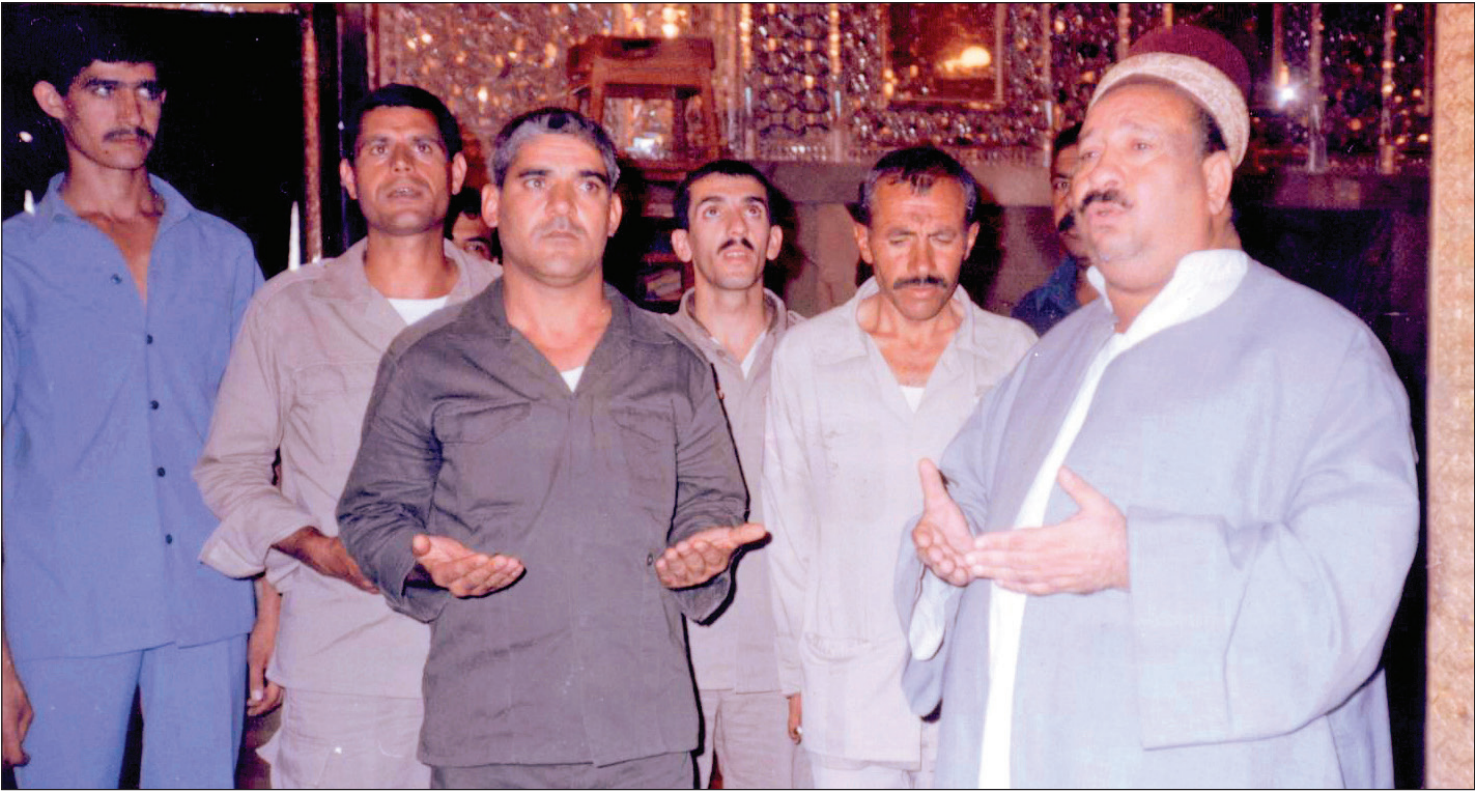
اجداد او، همه از عالمان دین بودند

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی اکبر ابوترابی فرد، فرزند آیت‌الله سیدعباس ابوترابی فرد (از روحانیون مبارز و انقلابی)، در سال ۱۳۱۸ش. در شهر قم متولد شد. جد پدری سیدعلی اکبر، مرحوم آیت‌الله سیدابوتراب حسینیفرد، از علمای بزرگ شهرستان قزوین بود. جد مادری او یعنی آیت‌الله سیدمحمدباقر علوی قزوینی هم از علمای بزرگ و مجتهدین بنام قزوین بود. سیدعلی اکبر دوره دبستان را در مدرسه دین و دانش قم و دوره دبیرستان را در مدرسه حکیم نظام و در رشته ریاضی به پایان برد و در سال ۱۳۳۶ش. دیپلم گرفت. ایشان در پی گرفتن دیپلم و با تشویق پدر، تمایل یافت که به تحصیل علوم دینی بپردازد. این در حالی بود که دایی ایشان، شهیدابا‌اصرار داشت که سیدعلی اکبر به آلمان برود و در آنجا تحصیل کند. ولی در نهایت تصمیم گرفت که از میان پیشنهاد پدر و دایی، توصیه پدر را بپذیرد و به این ترتیب پدر کسب علوم دینی، به مشهد و حوزه علمیه این شهر رفت. سیدعلی اکبر در مشهد از محضر استاذان زیادی از جمله آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی و ادیب نیشابوری بهره‌برد(۱).

پیوستن به جر که انقلابیون

زنده‌یاد ابوترابی از ابتدای نوجوانی، با مفهوم مبارزه با رژیم پهلوی آشناشد. در دوره‌ای که اوزه حرکت‌های انقلابی فدائیان اسلام به رهبری شورانگیز شهید سیدمجتبی نواب صفوی در کشور پیچیده بود، به آنان گرایش یافت. ایشان در همان سن نوجوانی با شرکت در مراسم و برنامه‌های فدائیان اسلام، طعم تفکر انقلابی و مبارزاتی را چشید. ورود رسمی او به مبارزه و همراهی‌اش با امام خمینی(ره) اما به روزهای آغاز نهضت اسلامی بازمی‌گردد. ابوترابی در اوایل دهه ۴۰ه. ق.م به بازگشت و در مدرسه جنتیه ساکن شد و به این ترتیب، در جریان مسائل نهضت قرار گرفت.ایشان در وقایع سال ۱۳۴۲ش. و به‌ویژه در قیام ۱۵ خرداد مردم قم، حضور و فعالیت داشت. اشاره در باره حوادث روز ۱۵ خرداد می‌گوید: «صبح خیلی زود و بعد از نماز، وارد خیابان ارم که شدم، دیدم مرحوم شهید آیت‌الله حاج آقا مصطفی(رضوان‌الله تعالی علیه) با جمعی از برادران عزیز از طلاب حوزه علمیه‌قم، که حدوداً ۱۲-۱۰ نفر می‌شدند، از سمت منزلشان به‌سوی حرم مطهر حرکت می‌کنند. احساس کردم حرکت، حرکتی معمولی نیست، چون به جای اینکه در پیاده‌رو حرکت کنند، دقیقاً در وسط خیابان حرکت می‌کردند. به‌گونه‌ای که کسانی که در پیاده‌رو بودند، متوجه ایشان می‌شدند. آنها هم به وسط خیابان می‌آمدند و در نتیجه به این جمع اضافه می‌شدند. با دیدن این صحنه، به سمت آنها رفتم. به محض نزدیک شدن، از حالت پیاده‌روی فیمقدم که مسئله مهمی اتفاق افتاده به محض اینکه سؤال کردم، دیدم کسانی که نزدیک ایشان بودند، با چشم اشک‌آلود به مسئله دستگیری حضرت امام اشاره کردند. بنده هم مثل بقیه در کنار ایشان آماج آقا مصطفی(أ. سلامی عرض کردم بدون هیچ سؤال جوابی، به سمت حرم حرکت کردیم. فکر می‌کنم در نزدیکی حرم، ایشان به سمت منزل آیت‌الله نجفی مرعشی‌تهرانی رفتند. بنده هم با جمع زیادی، به سمت صحن مطهر حضرت معصومه(س) رفتم...»

تاریخ



دردمندی بی‌ادعا که در تلاش و رنج زیست

نظری بر تکاپوی خستگی‌ناپذیر «سید آزادگان»، در ادوار گوناگون حیات

بازگشت به نجف می‌کند اما همه تلاش‌هایش بی‌نتیجه می‌ماند. سپس با حفظ اصول مخفی‌کاری، به فکر مبارزه با حکومت در داخل کشور می‌افتد. نقطه عطف مبارزات زنده‌یاد ابوترابی اما به زمانی بازمی‌گردد که با شهید سیدعلی اندرگو آشنا می‌شود. این آشنایی سرآغاز ورود به شیوه‌های جدید مبارزه و ارتباط‌گیری با طیف‌های وسیعی از مبارزان می‌شود. از آنجا که ساواک به‌شدت بر سیدعلی اندرزگو حساس و سخت‌به‌دنبال‌شناسایی و دستگیری او بود، در نتیجه فعالیت برای زنده‌یاد ابوترابی نیز دشوار می‌نمود. در دوره‌ای که شهید اندرزگو با هویت «شیخ عباس تهرانی»، در منطقه جیدر تهران زندگی و فعالیت می‌کرد، ابوترابی با ایشان ارتباط زیادی داشت و این مسئله نیز باعث شد، وقتی مأموران به هویت شیخ عباس تهرانی شک بر دند و به فکر دستگیری وی افتادند، به سراغ «سید» نیز بروند و در مورد شیخ عباس، از وسوالاتی پرسند. ابوترابی با هوش و تدبیر اما مأموران را فریب می‌دهد.وی در این‌باره می‌گوید: «در آن رابطه ما هم دستگیر شدیم، ولی الحمدلله به‌خیر گذشت. چون گزارش شده بود ما هم با شیخ عباس رابطه داریم. آمدند و ریختند و ما را توی خیابان گرفتند. دیدیم توی کوچه و خانه پر است از اینها. ما را اورودند. اولین



با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، طبیعتاً فعالیت‌های ابوترابی چندبرابر شد. سازماندهی مبارزان در تهران، فعالیت در کمیته استقبال از امام خمینی، فرماندهی گروهی از مبارزان در جریان تصرف کاخ سعدآباد و حفاظت از امکانات و وسایل کاخ، در زمره فعالیت‌های او در آن روزها بود.ایشان همچنین در تصرف پادگان لشکر قزوین، به همراه برادرشان حجت‌الاسلام سیدمحمدحسن ابوترابی نقش مهمی ایفا کرد. از این مقطع به بعد، ابوترابی همه فعالیت‌های خویش را در شهر آباء و اجدادی‌اش، یعنی قزوین متمرکز کرد و پس از مدتی، به‌عنوان نماینده مردم در شورای شهر قزوین انتخاب شد. خدمت ایشان در شورای شهر قزوین، از مقطع حمله ارتش بعث صدام به ایران، ادامه داشت.(۶) با حضور ابوترابی در جبهه برای دفاع از اسلام و وطن و سپس اسارتش به‌دست بعثی‌ها در منطقه «دب حران»، در همان ماه‌های ابتدایی شروع جنگ، فصلی نوینی از حیات مبارزاتی وی آغاز شد...»

کلام آخر
سرانجام این روحانی مجاهد، ۱۰ بعد از آزادی از اسارت، در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۷۹ش. درحالی‌که به همراه پدرش آیت‌الله حاج سیدعباس ابوترابی عازم مشهد مقدس بود، در جاده بین سبزوار و نیشابور و بر اثر تصادف، روی از جهان بر گرفت و رهسپار ابدیت شد. روح‌شاد و پادش گرامی باد.
منابع در گروه تاریخ همنشروی موجوداست.
شهر انتخاب شد

ما فهمیدیم جریان شیخ عباس در میان است. چند سؤالی کردند، وقتی گفتیم می‌شناسیم، فشار را کم کردند. چشم‌هایمان بسته بود. آنها باز کردند...صبح که ما را برندن برای بازجویی گفتند: شیخ عباس را از کجا می‌شناسی؟ گفتیم: از نجف اشرف! من شخصی به نام شیخ عباس منبایی را که از نجف اشرف می‌شناختم، معرفی کردم. فشار شروع شد، ولی خب ما هم خیلی همچنین خودمانی و ساده، همیشه می‌گفتم: مگر این شیخ عباس چه کرده، که با من چنین می‌کنید؟ آدرش مشخص است، کروکی‌خانه‌اش را حتی برای آنها کشیدم...الحمدلله آن جریان گذشت و ما هم در حدود ۲۵روز با بیشتر، طولی نکشید، که گذرخواهی کردند(۴).

جالب است که در اسناد ساواک، سندی وجود دارد که نشان می‌دهد مأموران ساواک، مدتی بعد از فرار شهید اندرزگواز کشور، متوجه ارتباط زنده‌یاد ابوترابی با ایشان شده‌بودند. در متن این سند آمده‌است:

موضوع: اظهارات سیدعلی اکبر ابوترابی در مورد شیخ عباس تهرانی
ساعت ۱۱ صبح روز ۱۳/۲/۱۵، سیدعلی اکبر ابوترابی فرزند سیدعباس ابوترابی قزوینی را در بازار ملاقات نموده، وی اظهار داشت: خیلی خوشوقتیم که یکی از رفقا به نام سامانی‌ها نیفتاد. گفتیم: مگر پیش آمدی شده‌است؟ اظهار داشت: یک طلبه محبوب تهرانی بود، که با من خیلی صمیمی است. تقریباً مدت ۵سال بوده که سازمانی‌های برای دستگیری او تلاش می‌کردند، ولی موفق نشدند، تا اینکه در این چندروزه آمد به قم و شبانه‌خانواده‌اش را به تهران برد. پدر زش را هم چندین مرتبه در تهران گرفته‌اند، ولی او اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد و ره‌ایش کردند. اخیراً هم از سنازمان، خانه او را در قم محاصره کرده‌اند و تمام کتاب‌ها و اثاثیه منزلش را بردند، ولی موفق به دستگیری وی نشدند. گفتیم: این طلبه کجایی است؟ اظهار داشت: شیخ عباس تهرانی است و افزود که شب گذشته یکی از دوستان من گفت:بمحمدالله اطلاع کرد که از مرز ایران صحیح و سالم خارج شده‌است. سؤال کردم چطور نتوانستت فرار کند؟ اظهار داشت طلبه عجیب و زرتگی است، چند شناسنامه و تذکره داشته، که تا به حال نتوانست‌اند او را بگیرند(۵).

تکاپوی سید در پی پیروزی انقلاب اسلامی
با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، طبیعتاً فعالیت‌های ابوترابی چندبرابر شد. سازماندهی مبارزان در تهران، فعالیت در کمیته استقبال از حضرت امام(ره)، به‌ویژه فرماندهی گروهی از مبارزان در جریان تصرف کاخ سعدآباد و حفاظت از امکانات و وسایل کاخ، در زمره فعالیت‌های او در آن روزها بود.ایشان همچنین در تصرف پادگان لشکر قزوین، به همراه برادرشان حجت‌الاسلام سیدمحمدحسن ابوترابی نقش مهمی ایفا کرد. از این مقطع به بعد، ابوترابی همه فعالیت‌های خویش را در شهر آباء و اجدادی‌اش، یعنی قزوین متمرکز کرد و پس از مدتی، به‌عنوان نماینده مردم در شورای شهر قزوین انتخاب شد. خدمت ایشان در شورای شهر قزوین، از مقطع حمله ارتش بعث صدام به ایران، ادامه داشت.(۶) با حضور ابوترابی در جبهه برای دفاع از اسلام و وطن و سپس اسارتش به‌دست بعثی‌ها در منطقه «دب حران»، در همان ماه‌های ابتدایی شروع جنگ، فصلی نوینی از حیات مبارزاتی وی آغاز شد...»

کلام آخر
سرانجام این روحانی مجاهد، ۱۰ بعد از آزادی از اسارت، در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۷۹ش. درحالی‌که به همراه پدرش آیت‌الله حاج سیدعباس ابوترابی عازم مشهد مقدس بود، در جاده بین سبزوار و نیشابور و بر اثر تصادف، روی از جهان بر گرفت و رهسپار ابدیت شد. روح‌شاد و پادش گرامی باد.
منابع در گروه تاریخ همنشروی موجوداست.

تاریخ ایران

ایران از کودتای رضاخان تا پیروزی انقلاب اسلامی

کتاب «ایران از کودتای رضاخان تا پیروزی انقلاب اسلامی» نوشته حشمت‌الله سلیمی را انتشارات قدیانی منتشر کرده است.
این اثر در نگاهی تاریخی به بررسی روند حکومت سیاسی ایران در سده اخیر می‌پردازد. سردار سپه‌شدن رضاخان میرنخب، به پادشاهی رسیدن سردار سپه، حمله متفقین به ایران، چگونگی آغاز پادشاهی محمدرضا پهلوی، نهضت ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸مرداد، چگونگی تأسیس جمعیت فدائیان اسلام و قیام ۱۵ خرداد وقایعی است که در اثر این به آنها اشاره شده‌است. حشمت‌الله سلیمی در اسلام‌آبادغرب متولد شده‌است. دارای مدرک فوق لیسانس تاریخ و کارمند آموزش و پرورش است. عناوین پژوهش‌های این نویسنده به شرح زیر است:مجموعه مقالات و نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خرداد ۸۳زندگینامه شهید سیدعلی اندرزگو، بخش اسنادالمعارف مرکز اسناد انقلاب، زندگینامه آیت‌الله سیداحمد خوانساری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زندگینامه آیت‌الله مرعشی‌نجفی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نقش سرلشکر ارفع در کودتای ۲۸مرداد ۳۲. همایش کودتای ۲۸مرداد ...»

انتشارات قدیانی چاپ دوم کتاب «ایران از کودتای رضاخان تا پیروزی انقلاب اسلامی» را در ۶۴صفحه، به بهای ۷۰هزار تومان راهی بازار نشر کرده‌است.

تاریخ انقلاب

تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ

کتاب « تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ» نوشته مسعود رضوی را انتشارات مؤسسه اطلاعات چاپ و روانه بازار نشر کرده‌است. کتاب حاضر دو عرصه قرین و هم‌محتوا را به

خواننده عرضه می‌کند: ۱- چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر سیاسی ایران تا شروع جنگ تحمیلی. ۲-برهه‌هایی از مبارزه و مدیریت سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. در بخش نخست کتاب سعی شده‌است کج‌پدای از مسائل تاریخی معاصر ایران، به‌صورتی گراپاید ارائه شود. در بخش دوم، اهم مسائل و خدادهای نخستین سال‌های جمهوری اسلامی ایران تا وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گزارش شده‌است. در این بخش، به‌صورتی گسترده از اسناد و جرایم آن دوران بهره‌گیری شده‌است. علاوه بر این، جزوات سیاسی و بیانیه‌ها و کتاب‌های مربوط به گروه‌ها و احزاب فعال در آن دوران، بخش دیگری از اسناد مورد رجوع نگارنده بوده که حتی امکان از آنها غفلت نشده و مشخصات جزئی و دقیق هر یک در پانویشت صفحات آورده شده‌است. مؤسسه اطلاعات کتاب «تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ» ۲۴۴صفحه‌ای را به بهای ۳۲هزار تومان راهی بازار نشر کرده‌است.

تاریخ انقلاب

دانستنی‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران

کتاب «دانستنی‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران» اثر ناصر نادری را انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان منتشر کرده‌است.
شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران تمام نشئون زندگی مردم را تحت‌الشعاع قرار داد و تمام افراد جامعه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به‌سوی فرهنگ اسلامی سوق داد.

کتاب مصور حاضر، مر جعی جذاب و گیرا در باره دانستنی‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران برای کودکان و نوجوانان است؛ دانستنی‌هایی شامل شخصیت‌ها، حوادث و مفاهیم مرتبط با آن. این کتاب با زبانی ساده و روان برای گروه‌های سنی «۳» و «۵» نگاشته شده‌است. موضوعات و شخصیت‌هایی چون اعلامیه، اعتصاب، امیر کبیر، انقلاب سفید، انقلاب اسلامی، ایراس ۳۰۰، اشرف پهلوی، بسیج مستضعفین، غلامرضا تختی، محمدعلی رجایی، شبنامه، صدام حسین ... و نیز در این کتاب از سوی نویسنده مورد بررسی و توجه قرار گرفته‌است.

ناصر نادری، متولد سال ۱۳۴۵ است. از جمله آثار منتشر شده او می‌توان به اسناد مطهری، باغ آسمان، نور آب آینه، بوی گل یاس، آواز گنجشک‌ها و...اشاره کرد. وی فوق لیسانس فلسفه و حکمت اسلامی است.

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، کتاب «دانستنی‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران» را در ۱۶۴صفحه، به بهای ۶۳هزار تومان منتشر کرده‌است.